یادداشت میهمان

چرا می‌گفتند نگویید دانشمند هسته‌ای؟!

چرا می‌گویند «نگویید شهید فخری‌زاده دانشمند هسته‌ای بوده است»!؟ نکته مهم در انتشار این گزاره در افکار عمومی این است که اولاً ابتدا در رسانه‌های بیگانه و از سوی مقامات آمریکایی، و بیشتر با گرایش دموکرات عنوان و سپس در داخل کشور پیگیری شد اما پس از ۲۴ ساعت همان رسانه‌های آمریکایی- اسرائیلی با تغییر خط خبری خود تأکید کردند شهید فخری‌زاده دانشمند هسته‌ای بوده و حتی تلاش داشتند القا کنند این شهید بزرگوار در حال کار روی بمب هسته‌ای بوده و در داخل نیز با تحریف چهره این شهید عزیز ادعا کردند عضو تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای بوده است! ثانیاً نکته بسیار مهم‌تر و تعجب‌برانگیز و البته مشکوک این بود که برای اولین بار تمام رسانه‌های غربی و به‌ویژه مقامات امنیتی صهیونیستی در یک موج گسترده صریحاً و آشکارا اذعان کردند این اقدام توسط اسرائیل و شخص نتانیاهو صورت گرفته است. رویترز و سی‌ان‌ان و فرانس ۲۴ و بی‌بی‌سی ادعا کردند «منابع رسمی در آمریکا اعلام کردند شکی نیست که اسرائیل در پشت پرده ترور محسن فخری‌زاده قرار دارد». رسانه‌های صهیونیستی از جمله یدیعوت آحارنوت؛ کانال ۱۲ و شبکه کان و روزنامه هاآرتص که اولین منابع خبری منتشرکننده خبر شهادت فخری‌زاده بودند، هم اعلام کردند «نتانیاهو تلویحاً مشارکت در ترور محسن فخری‌زاده دانشمند هسته‌ای ایران را تأیید کرد و ترور فخری‌زاده عملیات مشترک آمریکا و اسرائیل بود». حال اصل داستان پشت پرده این دو نکته چیست؟ هرچند به حسب ظاهر در داخل چون دولت آقای روحانی با توجه به رأی آوردن بایدن در جهت منافع جناحی برای مذاکرات جدید خیز برداشته، القا می‌کنند شهید فخری‌زاده دانشمند هسته‌ای نبوده و صرفاً یک کارمند مرکز پژوهش‌های وزارت دفاع بوده است و در خارج نیز تلاش دارند برای تحت‌الشعاع قرار دادن شکست‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه القای قدرت کنند، اما اصل داستان این است که این جنایت نه در حوزه اختیار و قدرت رئیس‌جمهور آمریکا می‌باشد که اکنون در حال ترک کاخ سفید است و سودی نمی‌توان برای او متصور بود و نه در حوزه اختیار و قدرت نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی است که باید در وحشت و هراس لحظه انتقام سخت ثانیه‌شماری کند، بلکه مستقیم و بلاواسطه در حوزه برنامه‌ریزی «دولت عمیق» در آمریکاست، که تصمیم می‌گیرد در آمریکا چه کسی رئیس جمهور و مجری سیاست‌های آنها باشد و چه کسی نباشد تا جایی که ترامپ هم با آن همه ادعاهایش در مورد تقلب، پذیرفته کاخ سفید را ترک کند! لذا در حالی که دولت فعلی آمریکا قرار است تا چند هفته دیگر برود و دولت اسرائیل با دولت جدید آمریکا کار کند و همچنین دولت ایران نیز باید تا چند ماه دیگر قدرت را به دولت جدید منتخب ملت واگذار کند، هیچ‌گاه و هیچ‌کس در این شرایطِ انتقال قدرت به چنین اقدام حماقت‌آمیزی دست نمی‌زند مگر یکِ برنامه‌ریزی مهم‌تر و فراتر از سطح دولت‌ها صورت گرفته باشد. ثالثاً خطای استراتژیکی که صورت گرفت این است که مسئولان و رسانه‌های دولتی و به‌ویژه شخص آقای روحانی عجولانه در خصوص موضع ایران با وجود به قدرت رسیدن بایدن بارها اظهارنظر کردند و حتی رسانه ملی یک برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری به این موضوع اختصاص داد، اما بایدن بعد از رأی آوردن هنوز هیچ‌گونه اظهارنظری درباره موضع دولت آینده‌اش در مقابله با ملت ایران نکرده و به عبارتی دست دولت ایران با تکرار مواضع خود خالی شده و دست دولت آینده آمریکا هنوز برای اعلام موضع باز و در نتیجه بایدن با دست پر و بر اساس اعلام موضع آقای روحانی در حال طراحی استراتژی و برنامه‌ریزی برای مقابله با ملت ایران است! لذا جنایت ترور شهید فخری‌زاده بعد از اعلام موضع دولت ایران و همراه با سکوت بایدن بسیار عجیب و مشکوک و دارای ابعاد سیاسی- امنیتی و حتی اقتصادی پیچیده و پنهانی و دقیقاً در راستای سیاست دولت آینده آمریکا در مقابله با ملت ایران است. چراکه دولت عمیق آمریکا با این جنایت و همزمان با القای تاکتیک نخ‌نماشده «سایه جنگ» تلاش دارد ملت ایران را با ترس بر سر یک دوراهی دو سر باخت قرار دهد و القا می‌کنند ملت ایران یا باید گزینه جنگ را بپذیرد، و یا با بی‌حاصل بودن مذاکرات برجامی، مجدداً با وعده محقق‌نشدنی رفع تحریم‌ها و بدون هیچ‌گونه پیش‌شرطی از جمله اجرای تعهدات برجامی طرف آمریکایی و اروپایی پای میزه مذاکرات موشکی و منطقه‌ای بیاید. هرچند در خصوص القای سایه جنگ مزه قدرت مقاومت را در مقیاس بسیار کوچک در سوریه، یمن، لبنان، عراق و آب‌های عمان و مدیترانه و خلیج فارس چشیده‌اند و می‌دانند که هیچ‌گاه قدرت درگیر شدن با جریانِ مقاومت را ندارند، اما در خصوص القای پذیرش مذاکره مجدد نیز اولاً هنوز ۵۰ روز تا به قدرت رسیدن تیم جدید در آمریکا باقی مانده و پس از آن نیز دولت در حال اتمام روحانی آماده برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ می‌شود و عملاً وقتی نمانده که بخواهند برای مذاکرات جدیدی برنامه‌ریزی کنند. ثانیاً آنچه که در حال القاسازی است تلاشی از روی ناامیدی برای تأثیرگذاری بر رأی ملت ایران در انتخابات ۱۴۰۰ می‌باشد، در حالی که مردم ایران با حلم مدنی و صبار بودن خود هوشیارتر شده‌اند که آمریکا همچنان شیطان بزرگ و به همراه متحدان اروپایی و نفوذی‌های داخلی‌اش غیرقابل اعتماد است و تنها نیرویی که می‌تواند نجات‌دهنده کشور باشد، در داخل است. ثالثاً ملت ایران منتظرند آنهایی که مزورانه ادعا دارند ریزش چند هزار تومانی دلار و سکه این روزها بعد از افزایش غیرقابل توجیه و بی‌سابقه در ماه‌های اخیر، نتیجه رأی آوردن بایدن است، پاسخ دهند این ریزش‌های مصنوعی و روانی و دستوری در حالی که هر روزه مقامات دولتی از افزایش ۳۰ تا ۶۰ درصدی قیمت اجناس از جمله لبنیات و خودرو و لاستیک و مرغ و تخم‌مرغ و... خبر می‌دهند، چه سودی برای مردم دارد و بگویند با این تناقض «بایدن کجای سفره کوچک‌شده ملت ایران قرار دارد»؟! واصولا بایدن که در دولت اوباما مهم‌ترین و بدترین تحریم‌ها را علیه مردم ما اعمال کرد، کجای این سفره قرار داشت که اکنون توقع دارند ملت ایران به او دل ببندند؟! رابعاً اگر جریان غربگرا هم بخواهد با تغییر محاسباتی برخی از مقامات دولتی، آنها را وارد مذاکرات کوتاه‌مدتی با قاتلان شهید سلیمانی و فخری‌زاده برای بهره‌برداری جناحی در انتخابات ۱۴۰۰ کند، ملت و نظام چنین اجازه‌ای به آنها برای تهدیدزایی بیشتر با وجود چک‌های برگشتی برجام نخواهند داد همان گونه که مصوبه ۹ ماده‌ای طرح راهبردی اخیر مجلس مسیر یکطرفه دولت در پذیرش هر مذاکره و درخواست زیاده‌خواهانه‌ای را مسدود کرد. خامساً اما پشت پردهِ القای دانشمند هسته‌ای نبودن فخرالشهدا، هدف مهم‌تر دیگری دارد و آن ترس از افشای نفوذی‌های هسته‌ای- امنیتی در بدنه اجرایی و متن جریان غربگرای حاکم بر کشور است. اظهارات مهم دبیر شورای عالی امنیت ملی در حاشیه مراسم خاکسپاری شهید فخری‌زاده و در ارتباط زنده با شبکه خبر پاسخ این ادعاست که تأکید کرد «دستگاه‌ها و سیستم‌های اطلاعاتی کشور با دقت احتمال وقوع و محل وقوع حادثه علیه شهید فخری‌زاده را پیش‌بینی کرده بودند و به این اطلاعات رسیدند که وی در کدام محل به شهادت می‌رسد و متأسفانه جدیت مورد نیاز اعمال نشد»! حال باید پاسخ داده شود که با وجود چنین اطلاعاتی از وقوع و محل وقوع شهادت شهید فخری‌زاده، چرا دشمن امکان اجرای نقشه خود را پیدا کرد و کدام «عامل نفوذی» توانسته در لحظه اجرای این جنایت چشم سیستم‌های اطلاعاتی- امنیتی کشور را کور کند؟! قطعاً برای گرفتن انتقام سختی که وعده آن داده شده، شناسایی و افشای چهره «عامل نفوذی طراحان و حامیان ترور» و معرفی آن به مردم بسیار مهم و مطالبه امروز ملت ایران است. خبر مهم رئیس قوه قضائیه در خصوص تشکیل کمیته‌ای با حضور دستگاه‌های اطلاعاتی- امنیتی کشور از جمله قوه قضائیه و سازمان اطلاعات سپاه در این مسیر می‌تواند بسیار کمک‌کننده و تسریع‌کننده در رسیدن به این «عامل نفوذی» باشد.

دکتر محمدحسین محترم

ارزیابی کارشناسان و نمایندگان مجلس از بودجه ۱۴۰۰

لایحه بودجه؛ درآمدها غیرقابل وصول هزینه‌ها غیرقابل دفاع

سرویس سیاسی-

نمایندگان مجلس می‌گویند لایحه بودجه ۱۴۰۰ نه تنها در مسیر اصلاح ساختار بودجه نیست بلکه دقیقا در مسیر مخالف آن حرکت کرده و آثار و تبعات چنین لایحه بودجه‌ای تورم، عدم شفافیت، نظارت‌پذیر نبودن و... است، کارشناسان نیز انتقادهای جدی به لایحه بودجه دارند و معتقدند تصویب آن اقتصاد را بیش از پیش دچار آثار سوء خواهد کرد.

مدت‌هاست که بحث اصلاحات ساختاری در شکل بودجه‌ریزی مطرح می‌شود و این موضوع یکی از مطالبات مهم رهبر انقلاب نیز هست. کارشناسان اقتصادی و نمایندگان مجلس (خاصه آنها که تخصص اقتصادی دارند) بر این عقیده‌اند که بدون اصلاح بودجه عملا مسیر تحقق برنامه‌های بالادستی توسعه در ابهام قرار گرفته و نیز مدیریت بر درآمدها و هدایت درست آنها به سوی اولویت‌ها امری بسیار سخت خواهد بود.

اصلاح ساختار بودجه را می‌توان ذیل چند عنوان اصلی بررسی کرد. در بحث هزینه‌ها ساختار اصلاح‌شده باید بیش از پیش بودجه را در مسیر شفافیت قرار دهد. دیگر اینکه در مبحث درآمدها اصلاحات مد نظر باید هرچه بیشتر بر درآمدها واقعی و تحقق‌یافتنی تمرکز داشته باشد؛ ضمن آنکه در موضوع درآمدها توجه بر «درآمدهای پایدار» و جایگزین کردن این درآمدها با درآمدهایی که در شمار درآمدهای ناپایدار هستند و یا تحقق آنها با تردیدهای بسیاری همراه است از اهمیت بسزایی برخوردار است.

آسیبی که به کشور از عدم تحقق ارقام درآمدی بودجه وارد می‌شود به شکل مستقیم جامعه را هدف قرار می‌دهد و تورم یا به هم ریختگی و آشفتگی بازار و قیمت‌ها نیز یکی دیگر از تبعات عدم تحقق ارقام درآمدی بودجه است. چنانکه می‌دانیم رهبر انقلاب از چند دهه قبل یکی از آرزوهای خود را قطع وابستگی بودجه به نفت خام عنوان کرده‌اند و همواره حرکت به سمت آن را از دولت‌های مختلف خواسته‌اند.

تورم یکی از تبعات درآمدهای غیرواقعی و ناپایدار

در این باره لازم به ذکر است که وقتی سخن از لزوم جایگزینی درآمدهای پایدار به جای درآمدهای ناپایدار می‌کنیم ناخودآگاه از بودجه‌ای متمایل به خروج از سیطره درآمدهای نفتی سخن گفته‌ایم؛ چرا که درآمدهای ماحصل از فروش نفت پایدار نیستند. تصور کنید در بودجه‌ریزی، دولت قیمت نفت خام را رقمی در نظر می‌گیرد اما ممکن است به دلایل بسیاری مانند شیوع کرونا ناگهان قیمت نفت با نزول بسیاری مواجه شود و آن وقت ما می‌مانیم و درآمدهایی که محقق نشده و بدتر آنکه مسیر هزینه‌کرد آن درآمدهای محقق‌نشده را از قبل مشخص کرده‌ایم.

با مثال فوق اندکی از تبعات بودجه‌ریزی سنتی و غیردقیق را دریافتیم اما در حقیقت تبعات آن گسترده و بیشتر از این‌هاست. از وقتی در سال قبل به صورت جدی‌تر موضوع اصلاح ساختار بودجه مطرح شد دولت و به صورت خاص سازمان برنامه و بودجه بی‌درنگ از آن استقبال کردند. استقبال توامان مجلس دهم و دولت تدبیر و امید از اصلاح ساختار بودجه این امید را زنده کرد که این مهم در وفاق و همدلی و خواست هر دو قوه مجریه و مقننه به سرعت حاصل شود یا دست‌کم بخش‌هایی از بودجه بر اساس ساختار جدید پی‌ریزی گردد اما این اتفاق در آن زمان رخ نداد.

مجلس دهم بدون دستاورد قابل ذکری در زمینه اصلاح ساختار بودجه به کارش پایان داد. با شروع مجلس یازدهم، نمایندگان این مجلس بر اهمیت این موضوع تاکید کرده و حتی محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس آن را از اولویت‌های مجلس یازدهم برشمرد. به رغم اظهار تمایل مجلس دهم و یازدهم بر اصلاح ساختار بودجه و نیز استقبال بی‌درنگ دولت از این موضوع چرا باز هم شاهد این هستیم که همچنان بودجه‌ریزی کشور با همان آفت‌های گذشته و از مسیرهای پردردسر و تبعات‌آور در حال تکرار است؟!

نظر نمایندگان ملت در مورد لایحه بودجه

حجت‌الاسلام حسن شجاعی، نماینده مردم خرم‌دره و ابهر در این باره می‌گوید: «بودجه ۱۴۰۰ غیر واقعی، تورم‌زا، بدون اصلاحات ساختاری و حاوی پیام ضعف به دشمن است که چاه بزرگی برای کشور در سال آینده حفر خواهد کرد. کلیات این بودجه نباید تصویب شود.»

سیداحسان خاندوزی، نماینده مردم تهران با ارائه درصدهایی به نقاط ضعف بودجه اشاره کرده و پیشنهاد وی نیز رد کلیات بودجه ۱۴۰۰ است. این دکترای اقتصاد در مقام مقایسه بودجه ۱۴۰۰ با بودجه‌های قبل برآمده و گفته است: «رکوردهای لایحه بودجه ۱۴۰۰ نسبت به بودجه ۱۳۹۹ دارای رکوردهایی است که قابل تامل است. بودجه ۱۴۰۰ در مواردی که ذکر می‌شود مقام بالاترین را در دهه‌های اخیر به خود اختصاص داده: رشد بودجه عمومی و مخارج دولت (۴۵ درصد)؛ رشد حقوق (۲۵ درصد) رشد فروش نفت یا اوراق نفت (۲۵ درصد!!) سهم کسری تراز عملیاتی (۳۵ درصد بودجه). همچنین بودجه ۱۴۰۰ در این مورد صاحب مقام پایین‌ترین در دهه‌های اخیر است: سهم مالیات از بودجه عمومی (۲۹ درصد).»

خاندوزی همچنین گفته است: «اقتصاد سیاسی یعنی رقابت در خوشنامی هزینه کردن؛ اقتصاد سیاسی یعنی فرار از اصلاحات مالیاتی؛ اقتصاد سیاسی یعنی پیام وابستگی نفتی به خارج... هر کدام از ۳ رویکرد لایحه بودجه، مجلس را بر سر دوراهی قرار خواهد داد: تقابل رضایت کوتاه‌مدت با صلاح بلندمدت. آیا باید به بودجه تورم‌زا تن داد؟»

طبق آماری که خاندوزی ارائه داده نه تنها دولت در مسیر اصلاح ساختار بودجه حرکت نکرده؛ بلکه در کمال تعجب در مسیر عکس آن پیش‌رفته است. سازمان برنامه و بودجه برای این چه توضیحی دارد؟

رشد ۹ برابری بودجه نهاد ریاست‌جمهوری نسبت به آغاز دولت

احمد علیرضا بیگی، نماینده مردم تبریز در مجلس معتقد است: «بودجه جاری نهاد ریاست‌جمهوری از ۵۰ میلیارد در سال ۱۳۹۲ به ۴۶۹ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته، یعنی بیش از ۹ برابر شده است! این در حالی است که بودجه عمرانی کشور از ۵۷ هزار میلیارد به ۱۰۴ هزار میلیارد تومان یعنی کمتر از دو برابر افزایش یافته است.»

مالک شریعتی، نماینده مردم تهران نیز درباره بودجه ۱۴۰۰ می‌گوید: «لایحه بودجه ۱۴۰۰ با فرض فروش خارجی یا داخلی (اوراق سلف و قرضه) ۲/۳ میلیون بشکه در روز نفت ۴۰ دلاری با دلار ۱۱۵۰۰ تومانی بسته شده است. این بودجه فاقد واقع‌بینی، استقلال از نفت، شفافیت و نظارت‌پذیری است. مجلس با دقت تحول را در اصلاح و تصویب بودجه ۱۴۰۰ دنبال خواهد کرد.» سیدمحسن دهنوی، نماینده مردم تهران نیز می‌گوید: «در لایحه بودجه، ۱۵۰ هزار میلیارد تومان از محل فروش نفت در نظر گرفته شده؛ این میزان برابر است با فروش بیش از ۲ میلیون بشکه نفت در روز که با میانگین فروش روزانه ۷۰۰ هزار بشکه نفت در امسال، فاصله ۳۰۰ درصدی دارد. خدا کند رئیس‌جمهور از خواب رویایی بیدار شود و اعداد را واقعی ببیند.»

روح‌الله نجابت، نماینده مردم شیراز معتقد است: «در مواجهه با لایحه بودجه ۱۴۰۰ الف/ دخل و خرج کشور باید با هم بخواند. اگر در لایحه بودجه سال آینده، منابع غیرقابل تحقق باشند، پذیرفتنی نیست، ب/ مجلس انقلابی برخلاف چند دوره گذشته، در دام تصویب بودجه با کسری بالا نخواهد افتاد.»

مجتبی رضاخواه، نماینده مردم تهران در مجلس می‌گوید: «لایحه بودجه ۱۴۰۰ فاجعه است! از افزایش وابستگی به نفت در شرایط تحریم و کاهش سهم مالیات گرفته تا افزایش شدید هزینه‌ها، نشان می‌دهد دولت فقط در حرف باور دارد که در جنگ اقتصادی هستیم و در عمل تصور «عروسی» دارد! وقتی در ارائه بودجه شفاف و منطقی نیستید، در سیاست خارجی چگونه‌اید؟»

حرف‌های کارشناسان در مورد بودجه

حجت‌الله عبدالملکی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر با بیان اینکه بر اساس معیارهای اقتصاد مقاومتی بودجه ۱۴۰۰ رد است، اظهار داشت: برای جلوگیری از آسیب به کشور مجلس باید کلیات بودجه را رد کند و اگر مجلس بودجه را تصویب کرد، شورای نگهبان می‌تواند به دلیل مغایرت با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی آن را رد کند مگر اینکه تغییراتی اساسی در آن رخ دهد. وی افزود: در بودجه کشور سه تراز وجود دارد. تراز عملیاتی، تراز سرمایه‌ای و تراز مالی. تراز عملیاتی دخل و خرج جاری کشور را برای یک سال نشان می‌دهد. تراز سرمایه‌ای نشان می‌دهد که هر سال چه میزان از دارایی‌های سرمایه‌ای کسر و چه میزان به آن اضافه می‌شود و تراز مالی نیز نشان دهنده استقراض است.

بقیه در صفحه ۱۱

خبر ویژه

وقتی متهمان افزایش تحریم‌ها زرنگ‌بازی درمی‌آورند

یک روزنامه زنجیره‌ای مدعی شد دولت نباید درباره ابعاد تحریم‌ها سکوت کند.

اعتماد به قلم عباس عبدی نوشته است: «یکی از نقدهای جدی که به دولت وارد است، باز نکردن ابعاد و آثار تحریم‌ها است. بزرگترین تحریم‌هایی که علیه یک کشور اجرایی شده است. البته انگیزه اصلی این سکوت تاحدی قابل درک است، ولی بی‌فایده یا حتی زیانبار بودن آن نیز بر کسی پوشیده نیست. شاید به علت همین سکوت است که مخالفان دولت نیز دچار اشتباه محاسبه شده‌اند و گمان می‌کنند که تحریم اهمیتی ندارد و به قول مرادشان اگر از آنان درباره تحریم بپرسی، خواهند گفت تحریم چی هست؟ تحریم نمدی؟!!

نتیجه این بی‌اطلاعی همین مصوبات خواهد شد علت مسکوت گذاشتن ابعاد تحریم این است که نمی‌خواهند مردم دچار یاس شوند شاید هم می‌خواهند جلوی عامل تحریم بگویند که ما تحمل می‌کنیم. مسئولان کشور در مواردی به موضوع تحریم‌ها اشاره کرده‌اند ولی چندان جامع نیست. بد نیست مقایسه‌ای کلی از اقتصاد کشور در سه سال اخیر با پیش از آغاز تحریم‌ها داشته باشیم. اقتصاد کشور تا پایان سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۶ حدود ۱۷ درصد کوچک‌تر شده است و اگر رشد جمعیت کشور را در نظر بگیریم درآمد سرانه کشور با قیمت ثابت حدود ۲۱ درصد نسبت به سال ۱۳۹۶ کاهش یافته است. نرخ بیکاری به بیشترین درصد در سال‌های اخیر خواهد رسید به معنی این است که جمعیت بیکار کشور تا پایان سال آینده حداقل ۱ تا ۱/۵ میلیون نفر افزایش خواهد یافت و به ۴/۵ تا ۵ میلیون خواهد رسید. برای ایجاد اشتغال این افراد دهها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری ارزی لازم است. حجم بازرگانی خارجی کشور در شش ماهه اول سال نسبت به سه سال پیش کاهش بسیار زیادی یافته است. آثار منفی آن در اشتغال و معیشت مردم به وضوح دیده می‌شود. ابعاد تحریم بسیار بزرگتر از این آمار و ارقام است. برای نمونه اگرچه کانال مالی اروپا به ظاهر فعال است تا تجارت مواد غذایی و دارویی دچار مشکل نشود ولی واردات واکسن آنفلوآنزا در عمل، زمانی به نتیجه رسید که فایده چندانی ندارد هم پول دادیم و هم واکسن موثر نداریم. برای واکسن کرونا نیز محدودیت‌های بانکی امکان خرید امن و قطعی را فراهم نکرده است. اینها همه به کنار کاهش فروش نفت و عدم دسترسی به منابع مالی کشور و افزایش شدید هزینه واردات را باید مورد به مورد شرح داد.»

نوشته روزنامه زنجیره‌ای در واقع، فرار به جلو به جای پاسخگویی است. به عبارت دیگر آنها باید پاسخ دهند که چرا تحریم‌ها در پسابرجام(با عملکرد خائنانه هر دو دولت اوباما و ترامپ) چند برابر شد؟ این چیزی نیست که بشود از صاحب‌نظران مطالبه کرد چه این‌که صاحب‌نظران منتقد، درباره خسارت‌های اعتماد بلاوجه به دشمن در برجام هشدار می‌دادند اما متهم به بی‌سوادی و بزدلی و کاسبی تحریم شده و به جهنم حوالت داده می‌شوند. اکنون هم متهم اصلی ماجرا روزنامه‌های زنجیره‌ای و سیاسیون غربزده‌ای هستند که به جای صیانت از منافع ملی، در حد کارچاق‌کن‌های دشمن با افکار عمومی خدعه و خیانت کردند.

بایدن نمی‌خواهد اما حتی اگر بخواهد نمی‌تواند به برجام برگردد

یک روزنامه زنجیره‌ای مدعی شد بایدن برای بازگشت به برجام به اجازه کسی نیاز ندارد.

آرمان از قول فریدون مجلسی نوشت: بایدن باز هم اعلام کرد که به برجام بازخواهد گشت و بارها اعلام کرده که خروج دونالد ترامپ از برجام یک اشتباه بزرگ بوده است و این اقدام را قبول ندارد. بنابراین او مشخصا پس از روی کارآمدن به برجام باز خواهد گشت و به‌صورت اتوماتیک این کشور باید به تعهدات خود در برجام عمل کند. از همین رو برخی تحریم‌هایی را نیز که ایالات‌متحده به صورت یک‌طرفه فعال کرده است نیز ملغی خواهد شد. بنابراین ایالات‌متحده سیاستش این خواهد بود که به‌راحتی به برجام بازگردد و در این راستا دولت بایدن نیاز به اجازه گرفتن از هیچ‌کسی را ندارد. آنها پس از بازگشت به برجام از ایران خواهند خواست که به تمامی تعهدات خود عمل کند. هدف نهایی آنها این است و در این راستا گام خواهند برداشت.

این سخنان در حالی است که اولا بایدن برای بازگشت به برجام، شرط‌های متعددی گذاشته و در حقیقت به اسم برجام می‌خواهد، باب مذاکره طلبکارانه با ایران را بگشاید و نه اینکه تحریم‌ها را بردارد. ثانیا دولت اوباما، کنگره آمریکا(اتفاق دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان) و ترامپ تحریم‌های متعددی مانند تحریم ویزا، آیسا، سیسادا، و کاتسا را تصویب و به اجرا گذاشته‌اند که نوعا پای دولت جدید آمریکا را- حتی اگر اراده بازگشت به برجام را هم داشت - کاملا می‌بست. از این جهت ادعای بازگشت به برجام و تداوم همه این تحریم‌ها، اظهاراتی مضحک است که صرفا می‌خواهد دست غربگرایان عوام‌فریب را در داخل ایران پر کند.

ثانیا حتی در دولت اوباما نیز، او هر سه ماه یک‌بار به کنگره گزارش می‌داد و مجوز مشروط سه ماهه کنگره برای ادامه کار در برجام را می‌گرفت. در واقع دولت آمریکا عمدا برجام را به کنگره نبرد و به تصویب نرساند و به همین دلیل برجام، از همان ابتدا، توافقی پا در هوا بود و حال آنکه در مقابل، ایران تعهدات خود را نقدا و یکجا در همان دو ماه اول (قبل از سررسید اجرای برجام در دی‌ماه ۹۴) به انجام رسانده بود.

مأموریت کارمند آشنا برای تحریک یک اتفاق مهم

یک کارمند حسام‌الدین آشنا ضمن روایت وارونه از ماجرای تصویب قانون ضدتحریمی مجلس مدعی شد این کار بسیار بد، مضر و خطرناک است.

دیاکو حسینی که از مدیران زیرمجموعه آشنا در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری محسوب می‌شود، در روزنامه همشهری نوشت: مصوبه اخیر مجلس موسوم به «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» در ایجاد توافق ملی ناکام بوده و موجب شکل‌گیری چندصدایی درباره یکی از مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی و منافع ملی شده است.

صرف‌نظر از ناکامی این طرح در جلب رضایت عمومی، به‌نظر می‌رسد که نخستین شکاف درباره این طرح مجلس در شورای‌عالی امنیت ملی اتفاق افتاد. درحالی‌که رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس شورای‌عالی امنیت ملی به صراحت مخالفت خود را با این طرح ابراز کرده است، دبیرخانه این شورا که قاعدتا باید در هماهنگی با ریاست شورا عمل کند، در بیانیه خود اقدام مجلس را مورد تأیید قرار داده است.

وی با اشاره به مخالفت وزارت خارجه ادامه می‌دهد: طبیعی بود مجلس در این طرح، نظر مذاکره‌کنندگان، دیپلمات‌های باسابقه و به‌زعم رئیس‌جمهور کسانی که ۲۵سال در این حوزه کار کرده‌اند را جویا می‌شد که گفته‌اند کار را باید به کاردان سپرد.

این بدعت بسیار بد، خطرناک و مضری است که قوای سه‌گانه در چنین سطحی از تعارض قرار داشته باشند و این تعارض ناشی از عدم‌هماهنگی‌های ابتدایی و اولیه‌ای باشد که انتظار می‌رود در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی نقش داشته باشد.

طرح مجلس به‌خوبی نشان داد که ما به‌دلیل این عدم‌هماهنگی و این تصور نادرست و ناپخته که مجلس باید در همه حوزه‌ها دخالت کند، در چه وضعیت خطیری قرار گرفته‌ایم. این تصور ناپخته، به شکل‌گیری طرح‌های ناپخته‌ای در مجلس منجر شده است که نتیجه آن بروز تعارض و تضاد میان طرح‌های مجلس و سیاست‌های رسمی، اعلام و پیگیری شده از سوی دولت و سایر نهادها، شده است.

روشن است که طرح مجلس به اتحاد و انسجام ملی کمک نمی‌کند؛ ضمن اینکه اهمیت این طرح نادرست در زمانی که ما در آستانه ورود به دوران تازه در سیاست خارجی قرار داریم، دوچندان است. درحالی‌که دولت و رئیس‌جمهور منتخب آمریکا تمایل خود برای بازگشت به برجام را اعلام کرده‌اند و درحالی‌که دولت و ملت ایران ۳سال مقاومت و فشارهای حداکثری را تحمل کرده‌اند و برای حفظ دستاوردهای برجام و تسلیم‌نشدن در برابر زورگویی آمریکا تلاش کرده‌اند، در چنین موقعیت حساسی، طرح مجلس به جایگاه حقوقی قدرتمند ایران آسیب خواهد زد و در این شرایط طرح مجلس برای منافع ملی کشور یک تهدید محسوب می‌شود.

دیاکو حسینی در پایان خواستار مسئولیت‌پذیری مجلس درباره پیامدهای مصوبه اخیر شده است!

فضاسازی توأم با تخریب مدیر زیردست آقای آشنا در حالی است که برخی مدیران دولتی و رسانه‌های همسو، در ابتدا مدعی شدند این گونه تصمیم‌گیری‌ها در صلاحیت شورای عالی امنیت ملی است نه مجلس و مجلس نظر شورا را اخذ نکرده است. اما بیانیه قاطع دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی- که آقای روحانی خود به مدت ۱۶ سال دبیر آن بوده- ثابت کرد مجلس کاملاً با شورا هماهنگی داشته، طرح در جلسات شورا طرح و بررسی (اصطلاحاً چکش‌کاری) شده و به تأیید شورا رسیده است. یادآور می‌شود مجلس چهار ماه قبل رأساً می‌توانست طرح را تدوین و تصویب کند اما طولانی شدن موضوع به خاطر همین رسیدگی و تصویب در شورای عالی امنیت ملی بوده و عجیب است که محافل دولتی مورد اشاره، ضمن نشر اکاذیب، اقدام به کتمان واقعیت مصوبه «ش.ع.ام» کردند. عبارت این موضوع این می‌شود که فلان مدیر دولتی یا وزارت خارجه باید مؤاخذه شود و پاسخگو باشد که چرا پس از مصوبه نهایی شورا، اقدام به انکار آن و تخطئه اقدام قانونی مجلس کرده‌اند؛ در واقع آنها هستند که تصمیم اجماعی را زیر سؤال برده و به شکل مشکوک که تنها مطلوب آمریکا و اروپای عهدشکن است، القای اختلاف می‌کنند. نکته قابل تامل دیگر طلبکاری کارمند آقای آشنا مبنی بر ضرورت سپردن کار به افراد کاردانی است که ۲۵ سال است در این حوزه کار کرده‌اند. اشاره وی ظاهرا به توافقات مشعشع سعدآباد و پاریس و بروکسل در سال‌های ۸۲ تا ۸۴ است که اروپا پس از ۲ سال سر دواندن در لغو تحریم‌ها (تعهد خود) مدعی شد ایران باید تعلیق هسته‌ای داوطلبانه ۶ ماهه را دائمی و اجباری بپذیرد. حتی در خاطرات آقای روحانی و... نیز از این دوره به‌عنوان دوره‌ای تلخ و عبرت‌آموز یاد می‌شود و عجیب است که کسانی هنوز اصرار دارند کلاه گذاشتن غرب بر سرشان را به نماد افتخار و کاربلدی خود جا بزنند!! در ماجرای کلاهبرداری‌های برجام هم که مسئله روشن است.

از همه مضحک‌تر، ادعای به ثمر نشستن مقاومت به واسطه مذاکره با دولت بایدن است و حال آنکه به تصریح گزارش‌های وزارت خارجه، دولت دموکرات اوباما برجام را با رگبار تحریم‌های پیاپی زیر پا گذاشت. نویسنده به این واقعیت نمی‌پردازد که مصوبه مجلس، بازدارندگی را به توافق یکطرفه شده بازمی‌گرداند و اتفاقا سند راستی‌آزمایی آمریکا و اروپاست که یا موضوع را جدی می‌گیرند و به تعهدات خود عمل می‌کنند و یا به بی‌اعتنایی ادامه می‌دهند که سند محکم برای اقدام متقابل و متوازن است.

گفت و شنود

کمال تشکر!

گفت: سه کشور اروپایی فرانسه و انگلیس و آلمان با انتشار بیانیه‌ای به نصب سانتریفیوژهای پیشرفته در نطنز اعتراض کرده و اعلام داشته‌اند «اگر ایران در حفظ فضایی برای دیپلماسی جدی است نباید این گام‌ها را عملی کند.»!

گفتم: برجام یک توافق عملیاتی است و نه «فضایی برای دیپلماسی»! آنها باید به تعهدات خود عمل می‌کردند که نکرده‌اند، بنابراین حق مسلم و قانونی ایران است که فعالیت‌های تعلیق شده را از سر بگیرد.

گفت: اگر بعضی‌ها به نام دیپلماسی آنهمه پیام ضعف برای آمریکا و اروپا نمی‌فرستادند، آنها اینهمه پُررو نمی‌شدند!

گفتم: همین پیام‌های ضعف بود که باعث شد آمریکا بدون کمترین هزینه از برجام خارج شود، اروپا به هیچیک از تعهداتش عمل نکند و تحریم‌ها هم اضافه بشود!

گفت: احتمالاً تصور می‌کردند که دارند با آمریکا و اروپا تعامل می‌کنند؟!

گفتم: صاحبخانه روی یک تکه کاغذ خطاب به شیرفروش محله نوشت؛ امروز در خانه نیستیم لطفاً شیر نیاورید. دزدان خانه را خالی کردند و زیر ورقه نوشتند؛ از راهنمایی شما کمال تشکر را داریم!

نکته

گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست!

سه دولت اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان با صدور بیانیه‌ای، نصب سه زنجیره سانتریفیوژ IR-2m در تاسیسات نطنز را «بسیار نگران‌کننده»! و مغایر تعهدات برجامی ایران دانسته‌اند. در این بیانیه از دولت ایران خواسته‌اند مصوبه اخیر مجلس با عنوان «طرح اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران» را اجرا نکند! در این باره گفتنی است؛

۱- در سیاست خارجی کشورمان چه اتفاقی افتاده است که دولت‌های فرانسه و انگلیس و آلمان را به نقطه‌ای از گستاخی رسانده است که به دولت دستور می‌دهند مصوبه مجلس را اجرا نکند؟!

**۲- نگاهی هرچند گذرا به مصوبه مجلس به وضوح نشان می‌دهد که صفر تا صد آن در این گزاره خلاصه می‌شود که اگر کشورهای اروپایی به عدم انجام تعهدات برجامی خود ادامه بدهند (که تاکنون داده‌اند)، جمهوری اسلامی ایران نیز از انجام تعهدات خود که